

الاعلیٰ علیکم السلام وعلیٰ آله وارضی



# شیوه های مناظرة امامراضاع

مدرسه علمیه عصمتیه بابل

تیر ۱۳۹۹

امام رضا (ع) هشتمین امام شیعیان از سلاله پاک رسول خدا (ص) و هشتمین جانشین پیامبر مکرم اسلام (ص) است. بنابر نظر مشهور مورخان وی در یازدهم ذی قعدة سال ۱۴۸ هـ ق، در مدینه منوره متولد شد. نام مبارکش، علی، کنیه آن حضرت، ابوالحسن و دارای القاب متعددی از جمله؛ رضا، صادق، صابر، فاضل، قره‌اعین المؤمنین و... هستند، اما مشهورترین لقب ایشان، «رضا» به معنای «خشنودی» است..

## ۱. شیوه امام در بحث

امام رضا (ع) علاوه بر پاسخ‌هایی که از علم آن حضرت سرچشمه می‌گرفت، شیوه‌های خاصی را در بحث به اجرا درآوردند. مدل این مناظره را می‌توان در ویژگی‌های زیر دانست:

### ۱،۱. مناظره به صورت تک به تک:

یکی از مهم‌ترین روش‌هایی که امام رضا (ع) در انجام مناظره در پیش گرفتند، مناظره به صورت تک به تک است، بدین شکل که هریک از افراد به نوبت، مطالب خود را مطرح می‌کردند و امام به سؤالات او پاسخ می‌داد و پس از آن که او شکست خود را می‌پذیرفت به سراغ نفر بعدی می‌رفتند. در این شیوه علاوه بر آن که شخص پاسخگو می‌تواند تمرکز بیشتری بر روی مطالب مطرح شده داشته باشد، مانع از این می‌شود که مسائل حاشیه‌ای توسط افراد دیگر ارائه شود و موضوع مورد بحث مغفول بماند. گاهی دیده می‌شود که در مناظره‌های چند نفری، یک نفر نکته‌ای را مطرح می‌کند که بحث برانگیز است. در همین زمان، شخص دیگری نکته جدیدی به ذهنش خطور می‌کند که از جهتی مرتبط با مطلب مطرح شده یا پاسخ فرد پاسخگوست؛ که بحث را به جهت دیگری می‌برد. این مسئله موجب می‌شود که پس از اندک زمانی، آن قدر مسائل مختلف بی‌پاسخ مطرح شود که هر دو طرف در ادامه بحث حیران شوند و ندانند که به کدام اشکال باید پاسخ دهند و شاهدان ماجرا نیز پی نخواهند برد که سرانجام چه کسی پیروز میدان شده است. اما طرح مسئله مناظره به صورت تک به تک و به نوبت، این امکان را از فرد مقابل می‌گیرد که با کمک دیگران از پاسخگویی به اشکالات فرار کند.

### ۱،۲. خودداری از نقد شخصیت افراد به جای نقد استدلال:

از نکات جالب توجه در این مناظره آن است که امام در هیچ‌جا مناظره مخاطبان خود را متهم به دروغگویی و مغلطه‌گری نمی‌کند، بلکه در همه موارد، نقاط اشتباه و انحراف آنان را تذکر می‌دهد. در حقیقت امام از نقد شخصیت افراد خودداری می‌کند و به نقد مطالب می‌پردازد. با وجود آن که در برخی موارد احساس می‌شود که مخاطبان امام راه اعتدال را رها کرده، کلمات خود را آمیخته با دروغ، تحریف یا مغلطه می‌کنند، اما امام در همه این حالات، با صبر و حوصله از کنار شخصیت افراد گذشته و تنها استدلال‌های آنان را آماج حملات خود قرار می‌دهد. در مقابل می‌بینیم که جاثلیق - بزرگ نصرانیان - از تنها فرصتی که برای نقد

شخصیت امام پیدا می کند سریعاً استفاده کرده، آن حضرت را به جهل و ناتوانی علمی متهم می نماید. توجه به این نکته در مناظراتی که دارای ناظران متعدد است باید بسیار مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا می تواند توجه مخاطبان را به سوی حق مداری مناظره کننده جلب کند و از خارج شدن شکل مناظره از یک مباحثه علمی به دعوی شخصی جلوگیری نماید.

### ۳,۱. استفاده از مسلمات خصم:

بارها در این مناظره امام ابتدا از فرد مقابل نسبت به موضوعی که قرار است پایه استدلال قرار بگیرد اعتراف می گیرد؛ مانند این بخش از مناظره: «امام: تو را سوگند می دهم آیا در انجیل این هست که یوحنا گفته: «مسیح مرا از آیین محمد عربی خبر داد و به من مژده داد که پس از او محمد می آید، من هم این مژده را به حواریون دادم و آن ها به محمد ایمان آوردند»؟

جائلیق: یوحنا به نبوت مردی و نیز به خاندان و وصی او مژده داده، ولی روشن ننموده که او چه موقعی ظهور می کند و نام آن ها را بیان نکرده است.

امام: اگر کسی را بیاوریم که نام محمد و خاندان و پیروانش را از انجیل بخواند به او ایمان می آوری؟  
جائلیق: آری، ایمان محکم.

... سپس امام نام محمد و خاندان و پیروانش را از انجیل قرائت کرد.

... جائلیق: آنچه را وجودش در انجیل برایم ثابت و روشن شد انکار نمی کنم و به آن اعتراف دارم.»

امام در جای دیگر نسبت به تصدیق بیان یوحنا دیلمی در مورد بشارت به نبوت پیامبر اسلام اقرار می گیرد. همین شیوه در مناظره با رأس الجالوت - بزرگ علمای یهود - و بزرگ علمای زرتشت نیز بارها تکرار شد. اقرار بر یک مطلب، از جمله مواردی است که می تواند شخص مخاطب را در ادامه بحث، دچار تناقض گویی نماید. این مسئله موجب می شود تا در ناظران بحث، این فکر ایجاد شود که اعتقادات فرد مناظره کننده چندان هم بر پایه تعقل استوار نبوده، او استدلال های محکمی در برابر این اشکالات ندارد؛ یعنی اصلی که در مناظرات دارای مخاطبان عام مورد توجه دو طرف است؛ که همان اقناع ناظران بحث می باشد. مانند اتفاقی که برای جائلیق در سؤال از قابل اطمینان بودن قول چهار نفر از دانشمندان بزرگ مسیحیت؛ یعنی لوقا، یوحنا، متی و مرقابوس رخ می دهد. او ابتدا قول آنان را نافذ می داند، اما کمی جلوتر آنان را به دروغ بستن بر حضرت عیسی (ع) متهم می کند.

«امام: گواهی این چهار نفر نزد تو چگونه است؟»

جائلیق: گواهی آن ها نافذ است. اینان دانشمندان انجیل اند و به هرچه گواهی دهند حق است.

... امام: در مورد گواهی لوقا و مرقابوس و متی درباره نسبت عیسی چه نظری داری؟

جائلیق: آن ها بر عیسی دروغ بسته اند.

امام: مردم! آیا او هم اکنون آن ها را ستایش نکرد و گواهی نداد که آن ها از دانشمندان انجیل اند و گفته آن ها حق است؟»

نکته قابل توجه در همه موارد، اشاره آن حضرت به کتاب های تورات و انجیل و اقرار گرفتن از متن این دو کتاب در مناظره با بزرگ نصارا و یهود است که تسلط امام را بر تورات و انجیل نشان می دهد؛ یعنی همان چیزی که آن حضرت پیش از آغاز مناظره به نوفلی وعده داده بود.

#### ۴,۱. حصر عقلی:

از دیگر شیوه های مورد استفاده در مناظرات، قرار دادن مسیر مناظره در حالتی است که شخص مخاطب به یک حصر عقلی دچار شود. حصر عقلی در حقیقت یک دوراهی است که هر دوی آن ها به شکست می انجامد و راه فراری برای مناظره کننده باقی نمی ماند. اشخاص متبحر در مناظره، معمولاً در پاسخ دادن سعی می کنند تا جایی که ممکن است خود را از گردنه خطر حصر عقلی دور نگه دارند. در مناظره امام رضا (ع) با بزرگان ادیان آسمانی، می بینیم که این شیوه بارها توسط امام استفاده می شود؛ مثل زمانی که امام نام پیامبر اسلام و خاندانش را از انجیل قرائت می فرماید و سپس به جائلیق می گوید: «چه پاسخی داری؟ یا باید بگویی که آنچه خواندم انجیل نیست یا باید بگویی که انجیل دروغ است. اما احتمال اول که بطلانش ثابت شد. بنابراین یا باید به نبوت محمد طبق اخبار انجیل اعتراف کنی یا کشتنت واجب می شود؛ چون خدا و پیامبر و کتاب خود را منکر شده ای.»

در این جاست که جائلیق راهی جز تأیید کلام امام ندارد و بر صحت مطالب گفته شده از انجیل اعتراف می کند.

#### ۵,۱. تبدیل مستشکل به سؤال کننده فعال:

تسلط روحی و علمی امام در طول مناظره بر علمای ادیان سبب گردید تا آن ها از جایگاه یک اشکال کننده به موضع سؤال کننده تغییر وضعیت دهند. این مسئله تنها زمانی اتفاق می افتد که مخاطبان بر تسلط علمی فرد مقابل خود پی برده، به نوعی خود را در برابر او ضعیف می یابند. از این رو با تغییر لحن خود از حالت اشکال کردن به سؤال کردن، میزان ضربات را بر خود کاهش داده، شکل کار را از مبارزه جوئی به مباحثه علمی تغییر می دهند، تا اگر اشکالی هم در این میان مطرح شد و این اشکال رد گردید، به حساب سؤال علمی گذاشته شود نه اشکال. این حالت در برخورد رأس الجالوت که پس از جائلیق وارد بحث شد، کاملاً

مشهود است. او بارها به جهل خود نسبت به سؤال امام اذعان کرده، از ایشان پاسخ سؤال را درخواست می کند.

عمران صابی نیز، با وجود تبصری که در بحث با علمای بصره و کوفه از خود به نمایش گذاشته بود و شاید یکی از امیدهای مأمون در شکست امام او بود، در مواجهه با علم و تسلط امام، از همان ابتدا با سؤال پیش می آید و تأکید می کند که برای کشف حقیقت می پرسد نه برای بحث و جدل. این مسئله نشان دهنده آن است که امام در طول مدت مناظره کاملاً تسلط علمی خود را بر مجموعه حاضر اثبات کرده و آنان را در حالت حیرت آمیخته با ترس قرار داده است. «وقتی سایر متکلمین عمران صابی را چنین دیدند... هیچ کس به حضرت رضا(ع) نزدیک نشد و دیگر از حضرت سؤال نکرد.»

### ۱,۶. وارد کردن اتهام:

از مطالب جالبی که در این مناظره اتفاق افتاده، استفاده امام رضا (ع) از شیوه اتهام وارد کردن است. در این شیوه شخص مناظره کننده به ظاهر با وارد کردن اتهام، شخص مخاطب را برمی انگیزاند تا نسبت به تهمت ایراد شده عکس العمل نشان دهد. او نیز که احساس می کند حربه خوبی را یافته، دلایل محکمی در رد خصم خود دارد با قدرت وارد میدان می شود و می کوشد با رد این تهمت، مخاطب خود را محکوم کند؛ اما بعد از مدتی با تغییر یافتن ناگهانی شکل بحث و طرح آن روی سکه، او درمی یابد که این اتهام تنها دامی برای گرفتن اعتراف از او در جهت رد عقیده دیگری بوده است.

«امام:... تنها عیبی که عیسای شما داشت این بود که او مردی ضعیف و ناتوان بود و روزه کم می گرفت و نماز کم می خواند.»

جائلیق: علم خود را تباه کردی و ناتوانی خود را از نظر علمی آشکار نمودی. من پیش از این سخن فکر می کردم که شما داناترین مسلمانان هستی؟!... او هیچ روزی را افطار نکرد و هیچ شبی را نخوابید. او همه روزها روزه و همه شب ها را مشغول عبادت بود.

امام: بنابراین، او که به عقیده شما خداست، برای چه کسی آن همه روزه می گرفت و نماز می خواند؟

جائلیق از پاسخ امام فرو ماند.

نکته جالب در این جمله آن است که امام نمی گوید حضرت عیسی این گونه بوده، بلکه می فرماید عیسای شما این گونه بوده است.

## ۲. مناظره های حضرت رضا علیه السلام

شکی نیست زندگی امام علی بن موسی الرضا(ع) ابعاد مختلفی دارد. یکی از ابعاد مهم آن، بُعد فرهنگی و علمی و پاسداری از حریم عقاید اسلامی در برابر حملات مکتب ها و فرقه های مختلف به اصول و فروع اسلام در شرایط خاص عصر آن حضرت است. بررسی این بُعد علمی که از بُعد ولایت الهیه آن امام(ع) نشئت می گیرد، در شرایطی که امروز در آن زندگی می کنیم، بسیار سازنده، راه گشا و حاوی رهنمودهای دقیق و ظریفی در برخورد با مکتب ها و مذاهب مختلف است.

آن حضرت در مجالس مناظره، با فصاحت و بلاغت، میراث جد بزرگوارشان را در مقابل اشکال تراشی های دیگران محافظت نموده و بدون استثنا تمام دانشمندان را مغلوب ساختند. برخی از آنها به حقانیت آن حضرت و دین اسلام اعتراف کردند و برخی همانند عمران صابی مسلمان شدند. مناظرات حضرت رضا علیه السلام فراوان و متنوع است که بخش مهمی از این مناظرات را شیخ صدوق در کتاب «عیون اخبار الرضا علیه السلام» و مرحوم علامه مجلسی در جلد ۴۹ «بحارالانوار» و مرحوم طبرسی در جلد دوم «احتجاج» نقل کرده اند. همچنین در کتاب «مسند الامام الرضا علیه السلام» جلد ۲ نیز آمده است. اهم این مناظرات از این قرار است:

۱. مناظره با جاثلیق پیشوای بزرگ مسیحیان در زمان حضرت رضا علیه السلام؛
۲. مناظره با رأس الجالوت پیشوای یهودیان در آن زمان؛
۳. مناظره با هریر اکبر پیشوای زردشتیان؛
۴. مناظره با عمران صابئی مدافع مذهب صابئین که خود را پیرو حضرت یحیی علیه السلام می دانند؛
۵. مناظره با سلیمان مروزی مشهورترین عالم علم کلام در خطه خراسان؛
۶. مناظره با علی بن محمد بن جهم ناصبی؛
۷. مناظره با ارباب مذاهب مختلف در بصره؛
۸. مناظره با جمعی از علماء عراق و خراسان و خود مأمون.

برای نمونه به دو مناظره از حضرت امام رضا(ع) اشاره می شود:

### ۲,۱. مناظره با جمعی از علماء عراق و خراسان

گروهی از علماء عراق و خراسان به امر مأمون، در جلسه ای گرد هم آمدند. از امام رضا علیه السلام نیز دعوت به عمل آمد. وقتی حضرت در آن مجلس حضور یافت، مأمون رو به حاضران در مجلس کرد و گفت: از معنای

این آیه به من خبر دهید: «ثُمَّ أَوْزَنَّا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا»؛ «سپس این کتاب را به آن بندگانمان که آنها را برگزیده بودیم، به میراث دادیم.»

علماء در جواب گفتند: منظور خداوند، همه امت اسلامی است.

مأمون رو به امام رضا علیه السلام کرد که شما در این باره چه می گویی؟ حضرت فرمود: آن گونه که علماء گفتند، نمی گویم، بلکه می گویم: «أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِذَلِكَ الْعِترَةَ الطَّاهِرَةَ؛ منظور خدای تبارک و تعالی از این کلمه "اصطفینا" عترت پاک رسول خدا است.»

مأمون گفت: چگونه منظور خداوند عترت است، نه مابقی امت؟ حضرت رضا علیه السلام فرمود: اگر خداوند هم امت را قصد کرده بود، پس همه امت باید در بهشت باشند؛ چون در ادامه آیه همه را اهل بهشت قرار داده، می فرماید: «جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا»؛ «بهشت‌های همیشگی که داخل آن می شوند.» یقیناً همه امت اسلامی اهل بهشت نیستند، پس وراثت مخصوص عترت پاک است، نه دیگران.

### معصوم بودن عترت علیهم السلام

آن گاه حضرت رضا علیه السلام فرمود: آنان همان کسانی هستند که خداوند در قرآن توصیفشان کرده و فرموده: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ «همانا خداوند می خواهد که آلودگی را از شما خاندان پیامبر بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.» و آنان همان کسانی اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به درستی که من دو چیز گران بها: کتاب خدا و عترتم (اهل بیت) را میان شما به جای می گذارم. هیچ گاه از یکدیگر جدا نشوند تا اینکه در حوض کوثر بر من وارد شوند. ببینید که پس از من با آن دو چگونه برخورد می کنید. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أُعْلِمَ مِنْكُمْ؛ ای مردم! به آنان چیزی یاد ندهید؛ زیرا آنان از شما داناترند.»

### مراد از آل کیست؟

در ادامه مناظره، علماء پرسیدند: ای ابالحسن! آیا «عترت» همان «آل» است یا غیر آن؟ حضرت رضا علیه السلام فرمود: آنان همان آل هستند نه غیر آن. علماء گفتند: این رسول خدا صلی الله علیه و آله است که از او روایت شده که فرمود: «أُمَّتِي آلِي؛ امت من آل من هستند.»

حضرت فرمود: هرگز مراد از آل، امت نمی تواند باشد. دلیل آن این است که از شما می پرسم: آیا صدقه بر آل محمد صلی الله علیه و آله حرام است یا نه؟ گفتند: آری حرام است.

حضرت فرمود: آیا بر امت نیز حرام است؟ گفتند: نه. حضرت فرمود: این فرق میان آل و امت است. لذا نمی شود گفت آل یعنی امت. آن گاه فرمود: وای بر شما به کجا می روید!

## برتری عترت در قرآن

حضرت رضا علیه السلام هر چند در محاصره مأمون و دستگاه او قرار داشت، ولی هر جا فرصت می یافت، برتری و حقانیت اهل بیت علیه السلام را از طریق قرآن به اثبات می رساند تا مخالفان نیز وادار به پذیرش شوند.

در ادامه مناظره پیش گفته می خوانیم:

مأمون گفت: آیا خداوند عترت را در قرآن بر مردمان دیگر برتری داده است؟

حضرت رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ الْعَزِيزَ الْجَبَّارَ فَضَّلَ الْعِتْرَةَ عَلَى سَائِرِ النَّاسِ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ؛ بلی! به درستی که خداوند عزیز و قهار عترت را در آیات محکم کتابش بر دیگر مردمان برتری داده است.»

مأمون گفت: این برتری دادن در کجای کتاب خداست؟

حضرت رضا علیه السلام فرمود: در سخن خدای متعال که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ»؛ «به یقین خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است و فرزندانی که بعضی از آنان از نسل بعضی دیگرند.»

سخن حضرت اشاره به این است که عترت همان ذریه و فرزندان برگزید ابراهیم علیه السلام هستند که بر دیگران برتری داده شده اند. و آیات دیگری نیز در برتری اهل بیت علیهم السلام آمده است؛ چنان که حضرت در ادامه می فرماید:

و خداوند در جای دیگر فرمود: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا»؛ «یا اینکه نسبت به مردم (اهل بیت) برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده، رشک می ورزند. در حقیقت، ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنان ملکی عظیم بخشیدیم.»

منظور از «الناس» پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام می باشند؛ چنان که در تفسیر صافی روایات متعددی به این مضمون نقل شده است. زمخشری نیز گفته منظور از «الناس» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مؤمنان است که البته مؤمنان دارای فضیلت، همان اهل بیت علیهم السلام هستند. حضرت رضا علیه السلام در ادامه سخنان می فرماید:



آن گاه خداوند در قرآن روی سخن را به مؤمنان دیگر باز گردانده، دستور داده است که از اهل بیت علیهم السلام اطاعت کنند؛ لذا می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را اطاعت کنید و پیامبر و صاحب امر از خود را نیز اطاعت کنید!» مقصود از دو آیه پیش گفته [کسانی است که کتاب خدا و حکمت را به ارث برده اند (اهل بیت علیهم السلام) و به خاطر این دو میراث به آنان رشک و حسد برده می شود... و در آیه دوم اطاعت از برگزیدگان منظور است.»

در ذیل آیه فوق، روایات فراوانی وارد شده است که منظور از صاحبان امر اهل بیت علیهم السلام می باشند، از جمله امام صادق علیه السلام فرمود: «این آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ» در باره علی بن ابی طالب، حسن و حسین علیهما السلام وارد شده است.

پس گفته شد: مردم می گویند: چرا خداوند در کتابش (قرآن) نام علی و اهل بیت علیهم السلام را نبرده است؟

حضرت صادق علیه السلام فرمود: به آنها بگویید: خداوند نماز را نازل و واجب فرمود، ولی در قرآن نفرمود: سه رکعت و یا چهار رکعت بخوانید تا اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نماز را برای آنها تفسیر او تعداد رکعات را بیان کرد و آیه زکات را بر پیغمبر نازل کرد و نفرمود: از هر چهل درهم، یک درهم پرداخت کنید تا اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله برای مردم تفسیر کرد. و حج را واجب کرد و نفرمود: هفت بار طواف کنید تا اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان کرد و همین طور آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» در باره علی و حسن و حسین علیهم السلام نازل شد. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره علی علیه السلام فرمود: هر کس من مولا و سرپرست او هستم، علی مولای اوست. و فرمود: شما را به کتاب خدا و اهل بیتم سفارش می کنم... و قرآن برای تأیید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آیه تطهیر را در باره علی و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام نازل فرمود.»

### تفسیر اصطفاء در قرآن

علماء در ادامه مناظره پرسیدند: آیا خدای متعال «اصطفاء» برگزیدگی را در قرآن تفسیر فرموده است؟ امام رضا علیه السلام فرمود: برگزیدگی "و اصطفاء" را به غیر از باطن آیات در ظاهر قرآن در دوازده جا تفسیر کرده است:

### الف. آیه تطهیر

«أَنَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ «همانا خداوند اراده کرد آلودگی را از شما خاندان پیامبر ببرد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.» و این فضیلت عصمت نشانه انتخاب و مصطفی بودن اهل بیت علیهم السلام می باشد.

## ب آیه مباهله

«فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»؛ «بگو: بیایید، پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و نفوس ما و نفوس شما را دعوت کنیم. آن گاه مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.» خداوند در آیه فوق پاکان را از دیگران ممتاز ساخته و به پیامبر دستور داده آنها را برای مباهله بیاورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علی و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام را آورد و آنان را همپای خویش قرار داد. آن گاه حضرت رضا علیه السلام فرمود:

«آیا معنای سخن خدا: «أَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ» را می دانید؟ علماء حاضر در مجلس مأمون گفتند: مقصود از آن خود پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. حضرت ابوالحسن علیه السلام فرمود: اشتباه گفتید. مسلماً تنها علی علیه السلام را قصد کرده است. از چیزهایی که دلالت بر این مطلب می کند، سخن پیامبر است که در مورد طائفه «بنو ولیع» فرمود: باید به کارهای زشت خود پایان دهند و گرنه مردی همچون خودم را به سوی ایشان می فرستم «علی علیه السلام» و این امتیازی است که هیچ کس به آن پیشی نگرفته و برتری ای است که هیچ بشری به آن راه نیافته و شرافتی است که هیچ آفریده به آن سبقت نگرفته است؛ چرا که جان علی علیه السلام را همانند جان خویش قرار داد.»

علماء عامه، از جمله زمخشری به این مسئله اعتراف دارند که آیه مباهله قوی ترین دلیل بر برتری اصحاب کساء علیهم السلام است.

## ج. باز ماندن در خانه اهل بیت علیهم السلام به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله

امام چهارم علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله همه مردم را از مسجدش بیرون کرد و در خانه های آنها را به مسجد بست، جز عترت خویش را که درب خانه آنها را به سوی مسجد باز گذارد، به طوری که مردم زبان به شکایت گشودند و عباس عموی پیامبر شکوه کرد و گفت: ای رسول خدا! [در خانه علی را باقی گذاشتی و در خانه های دیگر را بست] و ما را بیرون کردی؟ فرمود: «من او را باقی نگذاشتم و شما را بیرون نکردم، بلکه خدا او را در مسجد باقی گذاشت و شما را بیرون کرد.»

و این قضیه آشکار کننده این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام است که فرمود: «منزلت تو نسبت به من همانند منزلت هارون نسبت به موسی است.»

علماء گفتند: این در کجای قرآن آمده است؟

حضرت رضا علیه السلام فرمود: در این مورد، آیه ای از قرآن را برای شما می خوانم که شاهد این ادعاست و آن این است: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بَيْوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً»؛ «و به موسی و برادرش وحی کردیم که شما دو تن، برای قوم خود در مصر خانه هایی ترتیب دهید و سراهایتان را رو به روی هم قرار دهید!» در این آیه شأن و مقام هارون علیه السلام نسبت به موسی علیه السلام و همچنین شأن و مقام علی علیه السلام نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله با توجه به حدیث منزلت بیان شده است. و همراه این، دلیل آشکار دیگری در سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود: «همانا این مسجد برای جنب و حائض حلال نیست، جز بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله.»

علماء گفتند: این شرح و بیان جز در نزد شما جماعت خانواده رسول خدا صلی الله علیه و آله یافت نشود. حضرت رضا علیه السلام فرمود: و چه کسی این فضیلت را برای ما انکار می کند و حال آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من شهر دانشم و علی درب آن.» پس هر که بخواهد وارد شهر دانش شود، باید از در آن وارد شود.

#### د. آیه ذوی القربی

سخن خدا است که فرمود: «وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ»؛ «و حق خویشاوندان را بده!» این امتیازی است که خدای عزیز و قهار، ایشان را به آن اختصاص داده و آنان را بر امت برگزیده است. وقتی این آیه نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه را نزد من بخوانید! فاطمه علیها السلام را دعوت کردند. آن گاه حضرت فرمود: ای فاطمه! عرض کرد: لَبَّيْكَ ای رسول خدا! رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به درستی که فدک با اسب سواران و شتر سواران سپاه و خلاصه با جنگ به دست نیامده، بلکه آن مختص من است، نه مسلمانان. به خاطر فرمان خداوند آن را برای تو قرار دادم. آن را برای خودت و فرزندان نگه دار!

#### ه. آیه مودت

خدای عزیز فرمود: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»؛ «بگو: به ازاء آن رسالت پاداشی از شما درخواست ندارم، جز دوستی در باره خویشاوندان و اهل بیتم.» این امتیاز مختص پیامبر صلی الله علیه و آله و آل اوست، نه باقی انبیاء و آلشان... خداوند دوستی اهل بیت علیهم السلام را واجب کرد؛ چون می دانست آنها هیچ گاه از دین سر بر نمی تابند و هیچ گاه به گمراهی باز نمی گردند و نکته دیگر اینکه اگر

مردی دوستدار مردی باشد، ولی یکی از خانواده او را دشمن بدارد، دلش در دوستی او سالم و صاف نخواهد ماند. پس هر کس به این دستور عمل کند و با رسول خدا صلی الله علیه و آله و خانواده او دوست باشد، رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی تواند او را دشمن بدارد و هر کس دوستی اهل بیت علیهم السلام را ترک کند و به آن عمل نکند و خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله را دشمن بدارد، بر رسول خدا صلی الله علیه و آله لازم است که او را دشمن بدارد؛ چرا که او واجبی از واجبات خدا را ترک کرده است. ... آن گاه که این آیه نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان اصحابش ایستاد و خدا را سپاس گفت و ستود. سپس فرمود: ای مردم! به راستی خداوند بر شما عملی را واجب کرده است، آیا به آن عمل می کنید؟ کسی به او پاسخ نداد. روز دوم در میان آنان ایستاد و همانند سخن روز قبل را تکرار کرد. کسی به او پاسخ نداد. روز سوم در میان آنان ایستاد و فرمود: ای مردم! به راستی خداوند عملی را بر شما واجب کرده است، آیا به آن عمل می کنید؟ کسی پاسخ او را نداد.

سپس فرمود: ای مردم! متوجه باشید آن عمل واجب در مورد طلا و نقره و خوردنی و پوشیدنی و خلاصه در باره درخواست مال نیست. مردم گفتند: پس در این صورت، آن را بیان کنید! حضرت این آیه پیش گفته را تلاوت فرمود. مردم گفتند: اگر این باشد، آری، عمل می کنیم. ولی بیشتر آنان وفا نکردند.

## و. آیه صلوات

خداوند می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»؛ «خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید! بر او درود بفرستید و سلام گوید و کاملاً تسلیم باشید!» و سلام و درود کامل آن است که بر آل او نیز سلام و درود فرستاده شود. مأمون گفت: این چیزی است که در آن هیچ گونه اختلافی نیست، بلکه اتفاق نظر است. آیا در نزد شما در علماء عامه، از جمله زمخشری به این مسئله اعتراف دارند که آیه مباحله قوی ترین دلیل بر برتری اصحاب کساء علیهم السلام است. مورد «آل» چیزی واضح تر از این در قرآن وجود دارد؟

## ز. آیه سلام بر اهل بیت علیهم السلام

ابوالحسن الرضا علیه السلام فرمود: شما را از سخن خداوند آگاه می سازم که فرمود: «يَسَّ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»؛ «یاسین، سوگند به قرآن حکمت آموز که قطعاً تو از فرستادگان بر راه راست هستی.» مقصود از «یس» چیست؟ علماء گفتند: مقصود از یس محمد صلی الله علیه و آله است و در این سخن تردیدی نیست. حضرت ابوالحسن علیه السلام فرمود: خداوند به محمد صلی الله علیه و آله و آلش با این آیه و آیات دیگر فضیلتی بخشیده است که هیچ کس با اندیشیدن نیز به گنّه آن نرسد و آن

این است که خداوند متعال بر هیچ کس سلام نفرستاده، مگر بر پیامبران الهی، مانند: نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، موسی علیه السلام و هارون علیه السلام و فرموده سلام بر آل نوح علیه السلام، و یا آل ابراهیم علیه السلام... تنها در مورد آل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود «سَلَامٌ عَلٰی اٰلِ يٰسِیْنٍ»؛ یعنی سلام بر آل محمد صلی الله علیه و آله.

در ادامه، امام رضا علیه السلام به آیات خمس و غنیمت، اطاعت از صاحبان امر، ولایت، اهل الذکر، امر به نماز اهل بیت و... استناد می کنند که دلالت بر برتری اهل بیت علیهم السلام و برگزیدگی آنان دارد.

## ۲,۲. مناظره با جاثلیق:

در ابتدای این مناظره جاثلیق گفت: من چگونه با شما بحث کنم و حال آنکه استدلال شما به کتابی است که من آن را قبول ندارم؟ حضرت فرمود: ای نصرانی اگر از انجیل خودت برای تو استدلال کنم اقرار خواهی کرد؟ گفت: آری به خدا سوگند اقرار خواهم کرد.

امام رضا (علیه السلام) فرمود: هر چه می خواهی بپرس و جوابش را بشنو! جاثلیق گفت: درباره نبوت عیسی و کتابش چه می گوئی؟ امام رضا (علیه السلام) فرمود: من به نبوت عیسی و کتابش و آنچه به امتش بشارت داد، و حواریون به آن اقرار کرده اند، اعتراف می کنم و به نبوت عیسی که اقرار به نبوت محمد (صلی الله علیه و آله) و کتابش نکرده و امتش را به آن بشارت نداده کافر. سپس جاثلیق ۲ شاهد بر این مطلب از امام درخواست کرد... امام رضا (علیه السلام) فرمود: سوگندت می دهم. آیا انجیل این سخن را بیان نمی کند که یوحنا گفت: حضرت مسیح (علیه السلام)، مرا از دین محمد (صلی الله علیه و آله) عربی باخبر ساخت و به من بشارت داد که بعد از او چنین پیامبری خواهد آمد... جاثلیق: آری این سخن یوحنا از مسیح نقل شده اما نگفته این در چه زمانی واقع می شود و این گروه را برای ما نام نبرده تا آنها را بشناسیم، امام (علیه السلام): اگر ما کسی را بیاوریم که انجیل را بخواند و نام محمد (صلی الله علیه و آله) و اهل بیتش (علیهم السلام) را تلاوت کند آیا به او ایمان می آوری؟

جاثلیق: بسیار خوب سپس امام به نسطاس رومی فرمود: آیا سفر سوم انجیل را در حفظ داری نسطاس گفت: بسیار خوب از حفظ دارم. سپس امام به رأس الجالوت بزرگ یهودیان فرمود: آیا تو هم انجیل می خوانی؟ گفت: آری به جان خودم سوگند. امام رضا (علیه السلام) فرمود: آن سفر سوم را بخوان اگر در آن ذکری از محمد (صلی الله علیه و آله) و اهل بیتش (علیهم السلام) بود به نفع من شهادت بده. سپس خود آن حضرت سفر سوم را قرائت کرد تا به نام پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسید متوقف شد. رو به جاثلیق کرد و فرمود: ای نصرانی، تو را به حق مسیح و مادرش آیا می دانی من از انجیل باخبرم، جاثلیق: آری سپس امام نام پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) و امتش را برای او تلاوت کرد. سپس فرمود: ای نصرانی چه می گویی آیا

این سخن عیسی بن مریم است؟ جاثلیق: من انکار نمی‌کنم آنچه در انجیل برای من روشن شده است، و به آن اعتراف دارم. امام رضا (علیه‌السلام): همگی شاهد باشید که او اقرار کرد. در ادامه این مناظره آن حضرت با جاثلیق در رابطه با الوهیت عیسی (علیه‌السلام) مناظره کرد و جاثلیق که پاسخی نداشت تسلیم شد و گفت: القول قولک و لا اله الا الله.

مناظره امام رضا (علیه‌السلام) با جاثلیق به گونه‌ای بود که جاثلیق درمانده شد و گفت: «به مسیح قسم گمان نمی‌کردم بین مسلمانان فردی مثل تو پیدا شود.»

### نتیجه:

مناظرات امام رضا (ع) با فرق گوناگون و مذاهب جهانی مناظراتی شیرین و غرور آفرین برای مسلمانان و شیعیان است. آن حضرت در مجالس مناظره، با فصاحت و بلاغت، میراث جد بزرگوارشان را در مقابل اشکال تراشی‌های دیگران محافظت نموده و بدون استثنا تمام دانشمندان را مغلوب ساختند. برخی از آنها به حقانیت آن حضرت و دین اسلام اعتراف کردند و برخی همانند عمران صابی مسلمان شدند. یکی از درس‌های بزرگ این مناظرات ارائه شیوه‌های زیبای حضرت، با دشمنان و مخالفان، بوده است که الگوی مناسبی برای مبلغین و برگزارکنندگان کرسی‌های علمی، می‌باشد.

**منابع:** این مناظره در کتاب عیون اخبار الرضا (علیه‌السلام)، ج ۲، بیان شده است.



واحد فرهنگ و هسته پژوهش مدرسه علمیه عسکریه بابل

تیر ۱۳۹۹